

تلاکرات خارجیه

نزدیم صفر از لندن - جنرال نودل والی سنیا که دولت بود و خود اسپانیا را
 نموده که اگر چه نوسانات و تفرقات تا آنکه وقت در مقابل
 از یک طرف
 در دستگتن مشهور است که در اصلاح حکمت عملی دولت ملامت است
 پنج چهارات اسپانیا که تحت فرمان امپراطور (پهرا) بود از بندر صیدر
 کارکنینا اش
 جنرال شافر با یک اطلاع داده که حکومتی جوالا کردن سنیا که با فرمان اسپانیا
 درین است
 در صوبه کواکام این منبوات شده و نقل انگلیس هم چون چهارات جنگی ملک کرده
 صرف یک کشتی موجود است
 سفیر روس در لیکن اظهار داشته که اگر در باره از دیار راه آهین شمالی دولت
 چین از کج روس مجبوراً بر کجا حمله خواهد کرد
 بلوا در منبوات کواکام روزافندون زیاد می شود دولت این منبوات من با
 وصول کردن ایالات جدید که بهت جنگ بهت کرده بودند و بیاری از
 از انستد اینکه در آن ایالات نامور بود و نقل رسیده باقیان شهر مننگ
 و شهر مننیک استعرف شده و (دوچین) که واقع در صوبه لومنگ است
 مسامره کرده اند - در سنیا که نینه بلوا شده
 بیستم صفر - از لندن - از پناه و فوج و دو توپخانه که کشتن عاده توپ بود
 با دانه جنرال شافر و از سنیا که شده
 رئیس جمهوری اسپانیا وزیر جنگ اعلان داده که دولت اسپانیا سنیا که
 اسپانیا سنیا که راول کرده بودند و منصف دولت تا زنی آن است که چون
 تا پیش شرفا تو تن سنیا که خود را تقسیم افند ان اسپانیا نماند
 تمام درین اسپانیا بلوا اعلی صلح از سوی وزیر جنگ و وزیر کسکی وزیر
 اسپانیا نمانست بهت درین باب بیچگونه الفهاری ندانسته خواهش پاپ
 اینست که اسپانیا در جنگ اتمی نماید
 دریم و درین پس یکین من باب مسلح بر کجا پادشاه چین برافروخته شده
 داشته است که اگر من یک نفر میرم بهت است که خضر حضور ایدر آهنگه اوقت
 جانم بیهوش روه - حاله دولت روس دانسته که استقام راه آهین شمالی
 چین خواهد بود که متعین باشد توپس راه آهین مذکور که است
 تو تن سنیا که تقسیم کردن خود بدون شهادت اتمام نموده و نینه اش و جنگ

تو تن اسپانیا با توپ های جنگ شلیک کرده بودند که در کجا و کجا اسپانیا را
 کرده اند از تو تن اسپانیا صلح فایده می شود که می باشد که اسپانیا
 نیست و یک شهر از لندن - سه چهارات جنگی اسپانیا صلح صلح صلح صلح صلح صلح
 سنیا که نموده مقصدشان این بود که دیوارها ششرا باشند که بیاید
 نخورید نه چسب که توپ های چهارات در بندگی کافی نبود با اینکه روی چهارات
 بلیندی بود
 جنرال شافر از لندن شافر از کواکام می صوره سنیا که از انستد
 در چین روز بروز بناوات زیاد می شود بلوایان در کشتن اسپانیا
 دعای میوه تپه از من کلنگ پوز چسب آن انگلند محموله بود و یکی از کشتن
 فندانه را گرفته صلح حفری از او تا وان طلب کرده اند و سنیا که در کلنگ
 از دول خارج موجودند با کمال پریشاری ملاحظه که تا باقیان اسپانیا
 بلوایان کواکام قاض بر نه شهر من شده در قسب و دو توپخانه با شکر با فاده
 بین مقابل نیست کرده لشکریان نندار نموده اند و این شکست اعلان داده اند
 و این نینه بیان شده که برین لفت افران من این جنگ شروع شده حکام
 کواکام اینست همه را تحکیم کرده در صدد فراهم آوری جنگ میماند
 ۲۲ صفر از لندن - جنرال بلانزا تو تن خود وارد سنیا که شد من
 پهسالار موصوف با امیر الحبر مننای انگلند را که دارد
 و روز بازار جانب دریا شلیک رسنیا که در تمام نشتهای آنها جنرال شافر
 جنرال شافر بازگشت که آهین من کلنگ که چهارات اسپانیا که در توپ
 شهر کلباسی فند داده و نینه توپخانه زیاد می در کجا موجود بود
 در دستگتن خوف درین امر است که اگر تو تن اسپانیا از سنیا که فراد کرده که
 که نماند که نین شده کار با دشوار خواهد شد
 در جبهه سیاه و وزای اسپانیا اختلاف را می پیداشد که اگر اسپانیا
 از عهد خود استعفا بکنند امید است ازات جدیده قائم شده که بقوت فرنگ
 این کند و کشتن نماید که فوری شده صلح کامل شود
 در رسیدن پای تخت اسپانیا اعلان داده اند که تو تن اسپانیا تا وقتیکه دولت
 اسپانیا بطریق متداول صلح نموده خواهند جنگید و دولت اسپانیا درین باب
 ملاحظه نصافی مال و جان نخواهد کرد
 جنرال شافر پهسالار اسپانیا اطلاع داده است که من کلنگ درین صلح
 مذکور جرایم داده که درین باب امیدوار لنگو نماید در باره سنیا که اسپانیا
 سنیا که تو تن اسپانیا نماند که نین شده اند

حوادث ممالک عثمانی ترجمه از اخبارات ترکی و عربی حسب کاشف قایم نگار جناب المیتین

بسی اخبارات عربی از دو ماه است سودان و حبش را در برده دعوت با تمام
میسانند و در پرده چنان و اینهاست که دولت علیه عثمانی که حق دارد بزرگ
مصلحت است باین شکل که گشتی رخ داده و معایه این اتحاد را بدلیل ذکر مسانید
از یک طرف بعضی اخبارات ترکی ظاهر می شود که سودان خواستگار شده بود
که در قسطنطنیه و لغت ایضاً حضرت خلافت پناهی پناه کرد بملاحظات چند دولت علیه
قبول نکرد چرا که مصلحت حق سلطان است لابد روزی در قبضه اقتدار
سلطان خواهد آمد سودان از طغیان مصلحت علاوه برین چون سودانی نادر بود
اگر اسباب اقتضای شایسته مصلحت کار مصلحت را باین کار رسانیده اند و فرامین حضرت
سلطان را هم اطاعت نکردند من باب گوشمالی سودان درین مورد حضرت
سلطانی اطاعت آنها را قبول نفرمود

سکه و ابرو کچمه از مصر روانه سودان گردید و میگویند تا عمرمان واقع نمیکند باز
نخواهد آمد و جهت پیش قدمی کاغذ است اخبار طرس لندن در کوشش رود که
ابطحریق و قایم نگاری درین میدان منتهی شده است

ایضاً گفتند که اتس سلطان در کوشش تمسکات فرموده و بیخبرند که
از آنجمله کاروانسه ای که قابل سکونت شش هزار مسافر باشد و نیزه چسکه
دارس مخصوص از مسیح خاص تعمیر خواهد شد

دولت علیه عثمانی و الاصله کت خدیو را کتوب علی در بعضی از دسترس اهل ای
فنی منتهی شده اند بهمنو زاین را از نظر گذشته همیسن قدر معلوم میشود که اخبارات
باز برین لغت دولت انگلیس سخن میرانند و بکنج صحنی ایستاده اهل الای ایستاد
این مراتب را از حکمت علی و الاصله کت خدیو رسیده اند و حسد کات خدیو را هم که
ناشی از اشارات علیه حضرت سلطان تصور میسایند

تا شرف آخر هم و با امانت چون گفته نمون دولت علیه عثمانی بموجب پروردگار
در پشت بزم قرش رسیده همستور امید زیاد و قیمت

و قسیر که سردار قشون ترکی خواست عسکر از استیلا حرکت و به تمام عساکر که بزرگان
حق گفتند که بزرگان با دان علیه حضرت سلطان در جنبه ایستقامت میباشیم و تا قسیر که در آن
نام سلطان در جنبه تسلطی صادر نشود ما در جای خود حسد کت نخواهیم کرد مگر در جنبه
مرا تیرا بیایمانی علیه شما شایسته فرمان بیاورنی نموده ما هر کس که کت قشون صادر شد
سند را در بر روی درین حدود بجز قشون ایراد گرفت با خیالی این امر را در عمل می فرماید
افراد است بطریق فوق العاده سلطان را که با خیالی بیعت سعادت اهل ایستاد

زیادتر شده است و این سعادت تمام حقیقت اخبارات منتهی در بعضی
موضوعات دارند

تورات القنون تمجید زیاده ای از دولی طرلس فریب میوشاری و سیاست او مکنند و بقره
نامش پاشای والی ترقیات این ممالک روز بروز از ایلت چنانچه مدتی در حد این بود
که تمام ملت را از ابر و غمزد حکم کند درین امر بیکدیگر در نتیجه کامیاب شده من باب در
مندان و اقتضای حکم حضرت و غیره نیمه کمال عهد را در این امر حضرت
کمال توجه فرموده اند از نسبت بنام پاشا اظهار داشته اند رجال دولت علیه نیز از بسط
من باب اقتضای مدارس مذکور کمال سعی و کوشش را دارند

ایضاً حضرت سلطان من باب تعلیم فقه و اخلاقی اطفال شهر عسکر خدیو که در است
از جمله قدیم کوشش بزرگ عراق و بیاض و شمشیر است سی و نه هزار شمشیر داشته و
یک قشون از یک شصت خود در خدمت منتهی شده اند
دولت علیه عثمانی من باب استقبال امیر لوطی الی کال مرکزی دارند که کس از جمله
عیانت شده انضمام درستی راه و مقام غیره خود هم می شود درین امور امیرین منتهی
شده بکار دولی شوند

و قایم نگار جناب المیتین میسند که جنگ یزدان و اقمی کمال مکان بهمانند واضح
اول آنکه قوت و سلطنت و اقتدار دولت علیه عثمانی بر برهان اشدن گردانی اهل ای
آزادی ملک ترک این استند دولت قیوم خود در حیرت آورده زبان بدگونی آنها باشد
و غالب نظر ای دولت عثمانی رجوع کرده آنها را بکنند که باینان فضا و قیامی غایب بوده اند
نیکار خود سلطان از تمام دولت ترکیه از هر طبقه و صنف که هر چه در دولت

متبرع خود کمال بافتنی را پدید آورده اند اما در پیش جملین در بزرگان این پیران
در بیسیس جوش است که باعث بر کوشش ترقیات ملت دولت می شود و ملت را در هر امر
و امیدار که در دفع و اقص خود را نموده همسیری با همایگان خود نمایند از ملات پلی کولی
همایگان ملت بر مرده شده بود منبع یونان آن را کوشش کرد چه جام این جنگ تمام
ز اقص قلی دولتی و کلی را بر رجال دولت عثمانی آشکار ساخت ایند پس از گرفت
در دفع و اقص خود در کمال جلالت سامی از مشا و جنگ ظاهر شده که در بعضی دولت

علیه ناقص است اینک سیامون و از باب صل و حدت ترکی سیامی دارند که در ترکی
خود را هم سنگ با قوت بری قشون نمایند چنانچه از چهار طرف درین موضع سیامی
بوجوب کاشش اشارات حضرت میسایند و در حبش که تا دم شده و ایضاً حضرت
ایگان قایم نگار المیتین پاشا در حبش مصلحت بسیار دارد که این کوشش هم در مصلحت
لی حبش هم خود ایسان است که اگر در کوشش قشون سیامی خود را برده است
ایضاً حضرت سلطان از راه عیانت خود سیامی را از راه مصلحت سیامی ایستاد

(خراسان)

وقایع نگار جبل المین میسزید که از حسن توجهات و ابراهیم شاه
 رکن الدوله مملکت خراسان و سیستان در کمال امنیت است امالی خراسان
 نوابه الای قای رکن الدوله را بچشم پیری میسزید و الحق در حق امالی خراسان
 پیری همس دارد و بعد از آنقتی که از جهات بعضی ممالک پیدایش نوابه الای
 رغبه و دفع این فائده بزرگ ران بود مملکت پراکنده خراسان از تمام بلاد ایران
 امتیاز داشته است اسمی از جمله اتم نیست چند روزی مقرر شده بود آن همس
 و زکرت مال سه و بعد بجا بیاورید تجارت روس در خراسان کمال رونق
 دارد و بر عکس تجارت انگلیس که روز بروز کم می شود و صاحبین خراسان
 بقدری است که از تعداد گذشته روز بروز شش آباد آباد خراسان خراب می شود
 شهر و ده پانزده ساله روس برابری بگریخته خراسان بیچاره هزار ساله و از
 کارخانه شنبه بانی خراسان قدیمی که در دهه براسطه بعضی و اتی که بعضی
 خواهم کرد و در کسبای است آبادی خراسان و غیره آن سال بیال کشته و ضمیم
 تجارت که از دست امالی ملک یکده رفته روز بروز مردمان خارج و تعرف میمانند
 داین نیست که براسطه همسایگی که دولت تجار و رعایای خارجه دارد اگر باین
 سوال عمل ایران با رعایای خارجه باشد در زمانه قلیل اهل ایران از مردمان هند
 و ایل ترخانند شده دست خارجه چون میدانیم شهرت نیست ما هم تعریف میکنیم

(واقعه غیبی)

ایضا و قیام نگار که میسزید - سابق برین کجکیت جعلیت خراسان
 صاحبی میسزید ابراهیم شریعتیاری نوشته بودم - دروم شریعت دار
 عظیم و اولاد بود این روز تمام ترک خود را بکس کار شریعتیاری میرزا با هم
 که هم خاله زاده و هم زاده دعوی آن دروم بود حتی الوته فی الجمله اصلاح شد
 چهارده سال قبل که دروم خراسان حاج شیخ جعفر شریعتی قدس سره باین
 افسوس شرف میشدند در کسب و کار بدست خط آن دروم شریعتی تمام مالک
 خود را کاشا ماکان بالذنب حاج سید محمد باقر جبهه که مصالحه شریعتی نمود و حال
 بخلاف نوشته دروم حاج شیخ جعفر اصحابان مکرر و نه بعد از آن واقعه
 دروم شریعتی دروم که غالب امالی سبزوار موجودند من باب اصلاح کمال خود
 بسای سید محمد باقر که ار ار ار ار و نه و نه و نه امالی سبزوار این خسته و اصلاح
 از آن دروم شریعتی اندیشه های خود دروم شریعتی دروم حاج شیخ جعفر هم
 مسیحی قسطنطنیه مکتب دروم شریعتی که در تمام امالی استیانت عالیات مثل هم
 خراسان اسلام آقا شیخ زین العابدین مانده زانی قدس سره العزیز اصحابان و نه شهادت

اصحاب دروم حاج شیخ جعفر شریعتی دروم شریعتی زین العابدین بنظرت در خصوص
 اینصالحه حکم جدا گانه نوشته اند دروم خراسان حاج شیخ محمد تقی خجندی
 قدس سره که از در بد اول امالی خراسان در علم و تقوی و زهد و خیریه و وجود
 درین خصوص صالحه حکم علی نوشته اند و ده سال قبل که سرکار خراسان حاج
 شیخ محمد تقی شریعتی کاشی و جناب خراسان حاج شیخ محمد علی جبهه باین حد
 شرف شده دروم شریعتی حاج سید ابراهیم و میرزا آقا یان علم الصنان و سببی
 و کجکیت است و اصلاح و انتقال فرموده بود که اگر در کسب و کار و کسب و کار
 نیستیم که دارش من بعد از من ببارت سید حاجی آقا شیخ محمد تقی و حاجی شیخ محمد علی
 همس براسطه ای حکم دروم شریعتی و شیخ زین العابدین احکام معتقد و ضمیم
 صلح دادند علاوه بر این دروم شریعتی حاج سید ابراهیم سید علی بیگلر تومانی
 از احکام خود را همس که وقف در سبزه و ار کرده از چون خودشان خیریه است
 همه با مسافرت و الذنب حاج سید محمد باقر جبهه بود و چنانچه خط را در وقتیکه
 موجود است بسلامه در ماه مبارک رمضان همین سنه که از دروم شریعتی حاج سید
 ابراهیم در خراسان سبزه و ارشاد که در وقتیکه که در وقتیکه ام با هم میگویم که
 مالک یک خیریه نیستیم که در وقتیکه که در وقتیکه و واقف من میباشند دعوی ما
 تمام حق طلق حاجی سید محمد باقر جبهه مالک است اما که در رسد که والد ایشان
 خود وقف کرده اند با وجود این اقدامات و نوشته جانیکه بجهت خود آن دروم دست
 است با این همه احکام علمای بزرگ و وصیت نامه که بجهت خود آن دروم جبهه
 شریعتی حاج سید محمد باقر است همس که این از قاضی و داغ فرموده اند از روی
 ادوی زادگان آن دروم که در وقتیکه که در وقتیکه که در وقتیکه که در وقتیکه
 وقتی عالم و تمام آن بکن اسلام بگوید و فرموده چار بودی با ما در خانه رخصت اینده خالص
 و کسب و کار و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت
 و نهایت اقتدار و شکر نوابه الای در عین الملک و نهایت عظمی و شرف این دروم
 شده و کسب و کار و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت
 خیر من شریعتی دروم از حضرت دست داشته دعوی داشت که چون حال دولت کاشا
 واقعه شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم
 پیش رفتن شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم
 حکم و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت
 این دروم که با یکدیگر در سبزه و کسب و کار و مصلحت و مصلحت و مصلحت و مصلحت
 علیه از روی و شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم شریعتی دروم
 بل نخواهد کرد و باقی وقتیکه معلوم شود بعد از بعضی خواه میماند

فصلی در بیان بعضی از اقسام علم و حکم

این اقسام علمی نذر دیگر حکم که مساوی آن مردی است با آن دختر که بخار رسیده
 قهر می نماید عادت کرده ایم ترک عادت موجب هزار گونه عرض میشود داشت
 آنست که شیخ چون بر کمال نکاد و است بهر شیاری آن دختر که تمامی حاصل کرد
 و استار و عظمی شد مکتب ایام پیشرفت از برای هیچ قوی مکن نیست که برکت
 چو سینه نفاق و علم کلام ای دختر که مراد از علم نیست مکتب علم بر توست
 علم است فاسد و علم است عام علم عام علم است که امروزه معمول کل دولتمند
 عالم است و نوازند او در صبح عالم زندگانیست که کشتب بیک و شبه میزند
 بلکه زیاده و فایده آن علم حفظ استقلال و حصول یک بخشی و کثرت ثروت
 در ثانی از خدای میستفت میست ما بعد از اسلامیت نوعا و شها و مانع
 از آمدن بانی ناگهانی و علم خاص علم است که متعلق به عالم روح و مورد ثاوی انسانی
 و آن تحملش فسر من علم نیست بلکه اگر در شهریه می ده و معهودی شکل کرده
 کافیت که برسانند مردم لوازم حفظ دیانت و حفظ نمایند اساس شریعت
 و احکام خداوندی را ایستادند لازم بشرح است وقت متعقی نیست
 ولی چون هر فسر دی از افساد محتاج بشکایف زندگانیست و تکالیف
 زندگانی امروز منتهی بای بیشتر دارد و چسب که مردمانک بعنوان تجارت امروزه
 بازار آمده اند تا هم چسبند و سراپا میسند و تا آن مکرند و خدو شتلا که وقت کشتیها
 جنگی آنها از غریب عالم شرع کشیده و در شرق عالم مسنون و دوستی و هم بانی
 و خسل خانه آن مشرقی چهار می شوند و دیگر هیچ قسم بیرون نیرودند
 دلیل که بقصر فریست خداوند بصمت محمد و آس که ما را حفظ از شران
 حادثات که او را وقت سایر زحایش که در وقتیکه این مشرقی چهار که
 سال خوشی شمول بیشتر بوده این ما این موافق را کرده اند بجمع میشوند
 خوش حالتی دارد مثل گرفتاری یک شخص و معانی است در بازار بزازان ایران
 آن کی میگوید شهیدی اگر در فلان مساوی میل من و فایده کنی من می گذارم این
 شخص ترا بخرم کن آن کی می گوید پیش من بیام من دوست تو هستم
 من دل نوز تو هستم آن کی میگوید این یکسره و شخص دشمن تو هستم اگر فلان
 اقبال را بمن بدهی من نیگذارم این آدمها ملک تو را فصد میکنند بستانند
 چندی دارند در خانه تو آه و آه خلاف صلح عمومی کرده اند و این چهار بترت
 گاه گاهی بخود و کده میدهند که اینها مردمان خوبی هستند بنده تصرف در ملک
 خصی شرع نیست مردان میزونه از قضا و قی میهند که تمام اینها شایسته
 و ناموس بوده اند کلاه را آن اولی برده و جبهه را هم روی کرده پس بدین

در بیان چهارم باید در عرض حق الزرع صلحی داده شود چو مدار مشرقی است
 نیست و عا واقف دولت زمین با اشتغال کرد و فرس از زمین و در ثانی
 است و زرای فسه یک مجتهد میکنند در خانه می نشینند و ملک گیری میکنند
 و کورد و سایر بزرگی زیر علم انجمن و فتن میسند و در اوده از تقسیم
 زمین جنبه میدهد میگوید دولت ملی قانون حکم در فتن بی ریشه پرسیه را دارد
 لا محاله روزی از پای افتد راست گفت غیب میدهد است استقلال پسین
 صدر اعظم همین که در واقع حکمران هستند که کورد فرس است از فتن و
 نای خارجه هر روز و قسری و تهدید میسند اما می دانند که استقلال خود را
 کم کرده است چه که قائم این صدر اعظم دوازده هزار لباس دارد و هزار
 خد بکار بجهت ترتیب این لباس با موجود است سعی تشنه صیت چهار که
 شدنی خداوند عاقبت بد بد خداوند شفاعت کند استقلال با کرده
 اینکه بر خسی را بخواهد همیشه بر کس را بخواهد بی گناه شروع خسران طلبی کند
 مال بر کس را بخواهد میگوید بر عیست خداوندی دارد و بهر سلطان دارد است
 در مثل بای قدیم شنیده ایم ساکنان بندر کچه چهل و هشت هزار سال نظر
 بتاریخ خودشان بد دولت همین مالیات دادند که امروزه نوکری المانهارا
 نگنند و دلیل سوسه با باشد آهسته نایدنی را دیده اند شنیده نیرا شنیده دلیل
 ولی ناموس شده سایر رفتار عیبت می کرده اند که چو چاه رفت در جوانی
 دیگر این بجز کوزه در بانی اشیح صدی علیه الرحمه این فلبه المان در چین
 در شصده سال قبل اطلاع داشته و بصفت مدعی عمومی که در عصر عیافت شد
 از زبان چینیان گفته (چو دشمن خسته شانی بود ملک باج دور یک چرا بخورد)
 و راست هم گفته زیرا که هر علمی حفظ استقلال را از دولت محمود و فلو ملک
 باری این خیالات فایده ندارد که گوش میکنند ز منت میرسانا چارایم بجز خیر
 کفایت آن دختر شیرین زبان و استیلاج خسته نشان بگنایند گفت آن دختر
 ایرد تمام این تو اقصای اینهاست که کتابت صحیح شایع و علم پولتیک ندانیم و در
 نظام نظام کویشم و از حال همین نظام اطلاع میداریم که پولتیک میگوید بچهرت
 میکند پارک میسازد و تجملات می میداند اما که میسند در منته وقت میسازد و جز
 بهماش بر این چهار غیره که میسازد و متبع عیست بر این فسه اند اینان بکنم
 میسند هم کسی باور نکنند که این قسم زندگانی و استیلاجش از برای ترتیب
 میسند و میسند به شرح کجایان خارجیکه با یکسرم مکن بر وجه یکسرم میسند
 گفت آن دختر که بر پیشش به اغیای خوشگل از روزی میسند و نیم روی از بی
 حرم قسم در میان میاید و بر پیشش علم صفت میسند و تجارت امروزه در

یستوایم علوم ناقصه خودمان بکار بی بندیم حال که در دوزخ بگردن کت
 کردن ماست ایچاریم دزد بشویم معتقدند تا اگر یک شخصی تنگ بارتین
 و دست داشته باشد و یک شخص دیگر کتبقه از آن شمشیرهای پولادی قیم
 ای اصل حکم میکند که این مرد بکشد چه جامع باشد با این شمشیر می تواند مقابل کند
 یا آن تنگی که از سینه بر قدم گلودمی اندازد مسلم نیست اصل خاکست
 من سید انم شامیده اخیداند و ایچا شجاعت کار می میند ای شجره الطابور
 تجا بل عارف است پس باور از فکر کنیم اغراض شخصی را بکار بردیم چاره
 پستی چیست ایچا تنگی که از شمشیر قدم برنده حرف رانه اینک دشتک
 کردن که تنگ مال نیست گیت نباید دست گرفت دست خود فرنگی باشد
 تا و تنگ برنده استقلال را از کت و ما را مثل اینک صد که روز برادران ما که
 عالم خسی خود را شش فرس میگرد و بیچاره کند و در جای مساجد یا میان بنای
 ناختمی شود و ما در عرض خود بازی که بشیم و متوجه تا بسین کاهی که بود خوشی
 اطفال بیچاره ماست تویم پس رفع تمام این بختی تا و دفع جز این سینه
 باید از وجود مکاتب جدید بخواهیم لکن چه مکاتبی تمام کت ایچا است که گشت
 کج که ازیم مکاتبی که مضبوط اش تویم و یا نت تنظیم شود مکاتبی که عقاید
 و مباح فتنگی از او تولد شود مکاتبی که اخلاق مسلمانان را تخریب کند مکاتبی که
 تربیت شده گانش ازادی طلب شوند مکاتبی که بکس از چاه سال معین
 استقلال مسلمانان شوند مکاتبی که عادات خدا خوردن و لباس پوشیدن
 و بعضی عادات غیر شرع و فتنه گمان که خود آنها هر دو حرف بفرشند
 و در کت و ترک کردن برآمده اند تجرید شود ای نشانی آبی آب ایچا
 پنجه روی پا ایستادن و بول کردن اثبات حیوانیت میکنند نه نیست
 و انسانیت وجود ناقص به از عدم صرف نیست بلکه صورت فتنه گلیست
 تمام فتنه عادات عالم از وجود های ناقص پیدا شده است بی منم چه عادات
 بر سینه از مکاتبی که مبدیانت مخطبه میشود و در پر و غرام آنها به حال
 صورت خوشبختی مکاتب است لکن مکاتبی که مضبوط اش مصلای مستبدین
 تنظیم کنند مکاتبی که امورات جنسی و کلی او بوجوب پر و غم وزارت
 معارف باشد وزارت معارفی که تمام دقایق مسلمانان را ملاحظه کند مکاتبی
 که امورش با تمامه حق حاکمات اطفال و تحت قانون مسلمانان باشد اگر مکاتب
 ما هر چه که اول کار است بوی مسلمانان تنظیم و تائیس شود شتر و در ایچا
 اندازد پس چون در تنازع باشند که شتر چه بوی مسلمانان
 سیل مسلمانان پیش آن سیل روان سیل ناقصه جانب گزینگان

یکدم از مجنون زنده حاصل شدی تا و گردیدی و پس آن آدمی
 در سه روزه رو به بدین احوالها ماند مجنون در تردد ساها
 غرض عافان شکافی نیست غرض نیست که بلان قوم مثل گفته شود که مثل ایچا
 کوفتونی که فلان حکیم فرنگی میسید یا کتبه اندر سیه که در تب میگوید
 مکاتب و ملکت مسلمانان دارای فساد و اثری نیست و قبح فخری و
 بود مطلقا بلکه اگر فی الواقع بزرگان ملت در حال تبعیت و محبت مسلمانان
 با حیت میل آبادی وطن دارند یا بدستیده بهرستی اعانت کنند و بجا
 مکاتبی که تائیس آسایش نامرگان آنان کند یا بوجه مسلمانان لباس طلال
 مکاتب لباس مسلمانان در سل ولیده مکاتب تهذیب اخلاق و عادت بشود
 مسلمانان غرض ازین عارض فتنه نیست دلیل کل همه لمره غرض ما از ایچا
 مکاتب آداب فی نیست بلکه غرض کسب علم و بهر است اعراض و قبح مسلم
 سیاست فتنه صاف فرنگی میستیم محتاج به تهنیت گکی یا آداب
 فتنگی خود ما را میسیم از اصلاح بر ما میسیم احتیاج تا و نوی میسیم تکلیف
 حقوق اگر بخلاف ایات عدم توجیه تا حقی در اولات عادات و مذاهب
 معین مضبوط مکاتب تنظیم کنیم کیفیت حسته و ک است از طرفی بیشتر
 کرده و از طرفی تهر ایس از سالهای در از میسیم که تمام نجات میفاده بود
 اگر کسی طریق انکار کرد میسیم از اخلاق عادات تربیت شدگان یک
 کتب که مضبوط اش بدون رعایت ان صیایا تا که در معارضه قبل و فتنه
 تنظیم شده اثبات عراض خود کنیم پس خوب است انکار کار را اقبی بگویم که
 مجال تخریب میسیم و بوجبه تخریب تویم که هم لمره ای مقاصد خیر را تا که
 خطیعت با همه مسلمانیت کرده باشیم و هم بوجه تربیت و وضع مکتوبه
 باشیم که اجتماع معین از محلات مخلصه و اقاله روزی یکی ازین دو وضع
 قوی غالب آن وقت قول تحکیم راست بدین یکی زمین چهار شد غالب
 جان شیرین بر اید اقبال حقوق و تنظیم مضبوط مکاتب محتاج با چنین معارف
 و این معارف بنوع کمال او اوقات معلوم میسیم که امر و در کل دول
 یافت شود و تنگدگی جز این کار هزاران فساد در کار داده بر همه شخص
 شخص نفیس دولت خشت مبد است و ش است بدین چند شربا
 شکلیه پیش گاما مجال پیدا چه چه چال بگیریم
 پشت آرزو مده و ذریع در میان گشت باری و خواه کی سیل مسلمانان
 بر شایسته او میرا و پری مرغ و مای در پناه عدل است یکت ایچا
 داده ما را که بس نایم ما بی نصیب از باغ و گلزاریم

خوب دانسته اند همیشه مدارت متنازه خواهند فرمود این مراتب افزوده است
 حقیقت حال را چشم شخص سلطنت آقای حکیم الملک که مشهور است
 اینست تا در شهر یاریست یکی واقف نیست علی بن ابی طالب که
 چندین عنوان مدارت مثل زمانه شاه شهبه مثل خواهد بود افزوده و حکم
 که خواهی اداره بجات مرتب مخصوص کند علی آعال که چنان آتش کار است
 درباره حضرت افاضل السلطان هم فرموده نامی بسیار است ولی تاکنون چیزی که قابل
 نگارش باشد نیافته ام اگر چه سیه انم بر منی ناگوار است ولی هر چه با او بود
 صدرا اعظمی آقای امین الدوله اگر چه بجهت بعضی که میخواستند زیاده از حق خود
 بپندند معاصد نمود ولی از آنکه در حکمت او در ایامی که کرده بود و در ترتیب
 و دولت نهایت معینه معلوم میشد باید این قسم گفت که صدراعظم مستحق است
 شخصی خوب نبود یعنی پول نمیداد ولی بجهت نوع خوب بود شاه اوده نامی بزرگ
 بنامه بود که اگر تا نام میرسد است ایران ترقی میکرد تا این مراتب ظاهر بود
 حاله در باطن چه باشد و چه شده است اما اینها هم به صورت آوازی که بکنار
 استخای صدر اعظم برشته راننده بوجیب نیست

آقای حاجی میرزا حسن شیرازی که وزیر امور خارجه بوده و هست رئیس الوزرا
 آقای امین الملک برادر آقای امین صدر اعظم همی وزیر بود
 آقای ناطق الدوله که سابق بشارت اسلامبول و فرمانفرمای مملکت فارس
 متنازه و وزیر تجارت بود

آقای نظام السلطنه که سابق وزیر تجارت و مدیر بود و وزیر مالیه
 آقای شیر السلطنه وزیر خندان

آقای حکیم الملک که وزیر امین و محاسبات دولتی بوده و سینه وزیر مختار بود
 آقای قائم مقام وزیر و محافظ اوقاف
 میگردد یکی کلهانی وزیر مگر کات - و سینه میگویند حاکم تمام بلاد فارس و بلاد
 فارس از ایالت فارس جدا شده

آقای مسیح الدوله پسر مرحوم خیر الدوله وزیر و ستان بجات مالک محروس
 باقی ادارات پست و سابق برشته است خیال ما در این احتمالات جدیدم
 در پیش زمان قبل از این تغییرات خواهد شد این ایام حکام ایران که نامور بود یکی
 میشود باید مال و سرگرایه نمایند و زرای اداره جات هم نزدیک این منظر
 بحسب ظاهر تمسبات بدیهه خوب است تا چه از پرده برون آید دراز
 (مجبوری)

وقایع خارجی المین میسوزند که خواب و الا شاهزاده کاشف السلطنه

بمنه ان ترشیل دولت ایران که نامور میسوزی بود و این مدت دولت
 عالیاست متوقف بود در این ایام که الله برای میسوزی بود و احوال در محسوس
 طامون رفت خود را برشته است مخالفت میسوزی با اموریت خود و حرکت
 ظن غالب است که تا او اهل با برسیع اثنالی وار بهی میسوزی میسوزی خانوار
 شیراز از زن مرد و با اطال شیر خواره قطع علاقه از ایران کرده و بهی میسوزی
 نموده اند سبب جبهت آنها را بعد از او همسنگ شمشیر این امر چه نیست که
 خواه سلطان یا همسوزی و با جگر و بهی و یا شمشیرهای میسوزی یا و شاه اندر یک
 امورات مذموب حقوق رعیتان بدولت مساویست این مسئله بزرگ و احوال
 پرشیده نیست که درون سبب جبهت انسان دست از خانه و وطن اوقام آقا
 خود می کشد و نسبت برابر او بر صبح میند از آن راهی که کاشف سلطنت میسوزی
 تخمین علت جبهت رعایای خود روز بروز مردم ایران زیاد و بجهت ربه نیست
 ممالک دیگر را آباد و ملک ایران را در ایران مینماید داخل دولت از رعایا
 این منعی رسمت که در خول ملک اشکن بر رعایا کرده معلوم میشود که از هر سری
 چه قدر رعایه دولت میسوزی وقت خواهیم دانست که از جبهت ایسند چه خواهد
 بود رعایای چه قدر بجهت دولت نقصان رسیده است علاوه بر آنست که رعایای
 که ملک رسیده امید است که خواب و الا شاهزاده کاشف السلطنه رسیده
 یعنی تدارک این امر را کاشف میسوزی تا این جهان چه بنی را دولت با ایران همسوزی
 اینسوزی که محاسبان علت را همسانی دیگران می شود حال مناسب است

مطلب مرتبه باشد
 (محمدره)

یکی از رجال دانش و پیش میسوزی که امروز محمدره مصفاات - اما قات
 آن قابل مبه که تو در رجال دولت علیه ایران بیات میسوزی اگر محمدره
 تجارت گاه بزرگ و بند معتبر سلج فارس خواهد شد اگر چه در این ایام
 ولی نه تحقیقات ظنی و شواهد است ثانی بند محمدره از چند جات بر قده است
 است حکامات این سرمد از امورات سیاست بزرگ است یعنی از رعایا که
 همسوزی و مرج را درین سرمد ملاحظه کرده و اینجیالات فائده بهتند عمل محمدره
 نیز نیست که همیشه مقامه آنها بجز می شود و دولت علیه است و اکام درین
 سرمد معتبر دارد و حکومت میسوزی از جمله جواب خرم میسوزی و آید میسوزی
 این نیست چهاره ما با اول مسایه خود دست نخواهیم بود و امروز روز و ولست
 پرشید اطلاع میسوزی هزاراگر پویش میسوزی فائده که ما در خواهیم ندیده ایم
 دولت همین این که به با زبانی دولت فنگ را که با نهار دوستی و کمال میسوزی

نسبت با میکنند در خواب هم ندیده بود اخبار تاران بجهت اینکه خلاف
 فغان خان یا فلان یک نباشد یا بجهت اینکه دولت در ظاهر بجا بود و خدایم
 وقت و کم و قوت بود بجهت درین موقوفات احرام سینه و مال که خود تان
 بزنی و وقت آنکه بلل غار جوار غیبیات بیشتر واقف باشد از خود ما و یک
 عیب با اینها ظاهر کرده در کرایه یعنی اخبارات فریبسته نه جلالتین میهم
 در مقامی شایسته می شود که مطالب را درست کند نیستند از نزدیکان آنجا
 ظاهر بود است پس از وضع مصارف ایستادین بند معتبر و طاعت آن را به
 بریتیت شش هفت هزار تومان و اصل بدولت نیست حال که اگر این
 بند معتبر و جملات زیر خیز و اراضی با برکت آن دست و مان بهوشیار باشد
 سالانه دو سه که در خصل دارد باین حالت خدای باین تطلبات ناقص
 در مان چند موجود اند مثل میرزاده شیخ فایس خان و غیره که عمل نموده اند
 و چیه هزار تومان قبول میکند

(ایضا)

یکی از اهل بدعت و فحشه تبارکی اعدا شد یعنی نموده بود که هر کس از جمعه
 بطرف بند ناصری سفر میکرد نیم فتنان بگره میگرفت جناب مستطاب تعبد
 مجتهد الصمد حاجی آقا شیخ محمد علی سپرد مرحوم محمد الاسلام حاجی شیخ نجف شوشتری
 قدس سره ملکرانی درین خصوص اظهار زده فرمودی که کرایه این عمل قبیح که است
 نفسین خلق و خدا و رسول بر مبدع آن بود منع کردید بجهت اینکه ما میرزا
 باین قسم گرفتار خود و غرض نادان باشند و فهمند که این بدعت قبیح شان
 چه قدر با باعث بدنامی و نقصانی دولت علیه است امید بهتری از کجا خواهد
 بند ناصری فخره هر دو راجع بایران است این حاقق آید بوجهی که
 مرتکب این عمل قبیح شده نمیدانیم اگر چه میدانیم قصدشان بد فعل است چون آن
 عقل و تدبیر اندازند که از راهش دخول کنند یا بدتکب درین امور که باعث
 فحشه تارایا از دولت اسباب بدنامی دولت و فخر است می شود این عمار
 نامور از این فحشه است که علت سبب اینکه دولت مذکوره بر عایای خود میسر
 چیست بجهت دخول عقل او را خدافت کرده است درین موضع مجتهدین
 بحث خواهیم کرد

بغداد

وقایع خارج الملتن میسزید کتبه یک چندی قبل توسط یکی از غلامی
 به مردن باب مجتهد حضرت ابو جوادین نوشته شده بود بعضی عنوانش
 ناقص مانده است شخص مفردی لالی و بجهت شش شده یکشنبه روز دوشنبه

بود تمام مردم خیال کردن او را که در زندان بهوش آمد جسمی حکومت است
 مکالمه نمودند تا در بر حکم نبود با و فهمند که قدر او در جسم او این بی بریم تو بکن
 از بانات باز شود آخسته هم چنین کردند که در تبرک و زبانش از شد تا کتون نفع
 بهوش شدن یکشنبه روز دوشنبه را مردم صل بودند کرده بودند

بمشهد

وقایع خارج الملتن میسزید میخانی و آقا شاهی که این وقت در بند و شهرت
 به سیج زمانی نموده به کس هر کس میسزید میسزید و کس هر فرامانی بخواب صادر
 میسزید میسزید است که با کرم قدری نذایم اینک و ماه است که در بند شهر
 حاکم نیست حتی در بازار سکه دولت را دم کم کرده مسرف میمانند امروز دنیا
 بکام بانک است از یک طرف هر که که ظلم و ستم که میخواهد باین شهر میکند کمی نیست
 بگوید میسزید من باب اتهام کشیدن از تجار و شهر که چند بار فافت میخانی قائم
 کرده اند در محکم که هر که که اجحافات که از دستش براید که آبی نمیکند گمیت
 که بگوید چند اتهام این مراتب بواسطه آن است که حکومت معتقد صاحب بصیرتی در
 بر شهر نیست که کارهای و شهر این قسم هر کس که موع باشد در زمانه قلیل و شهر
 از تزیقات باز خواهد ماند بسیاری از مردم در صدر و جلا وطن از و شهر میباشند
 نظم ملک و دفع اجحاف از عایا منوط است بکام معتقد با بصیرتی که جایش
 در و شهر خالیست میسزید میسزید که از شایسته شهید و شهر حاکم ندارد که
 پرو وضع است که حاکمی که مال و دستگیر کرده باشند انظارش بچگونه است

(تاسف)

حجت الاسلام حاجی میسزید از محمد حسین الشهبز شهرستانی که از اهل علمای عصر
 در تمام عراق و عرب و عجم سلوک علمای اعلام بودند پس از گذراندن این چینه در علم
 از جمله زندگانی شب چشیده سوم شهر شوال ۱۳۱۵ هجری ایاتها انفس میسزید
 اوجی الی رجب راضیه عرضتند و اجابت نموده در قله علیه رحمت و
 مرحوم حاجی میرزا حسین شهرستانی از فحول علمای زمان و صالح و متقی با لایف و
 زیاد بود ارشد او و خود جناب شریعت را آقا میسزید از علمای علمای
 و من واقف تمام خودت را داده بودم طاعت آن مرحوم که باقی است صبر او و
 حسنه و آقا میرزا محمد علی فسنه زنده ارشد ایشان استادت فرموده در کتاب
 مطهر و معتبره که خاصه سادات طلیل القدر شهرستانی است در جنب قبر که
 والد ماجد شان دفن نموده اند زیاده روز و خلیس غار واری و فاخته خوانی بود آخر
 او در علم آقا زاده مذکور الفوق ایشان ایجابی آن مرحوم در محکم باب غیر معتبر
 داشتند در سایر بلدان عراق و ایران هر کس علمین دیده فاخته خوانی بود در آن

ایضاً در آدرس شاهنشاهی در مسجد شاه مجلس تفریحی و تفریحی انجمن
 در ظاهر عالی منتقدان نمودند و در چشم فخر و تقویت آثار و ایشان و سایر
 آنکه در دم شکرانی از جانب این مخلصان شاهنشاهی مسأله که در بعضی
 و ایالات آن در موم شدید و قریب تمام علوم و فنون میباشد یعنی از آنها
 بطبع رسیده یعنی غنی است تمام صناعات و مملکات آن در موم است
 سینه برکت است چهل و هفت کتاب از ایالات و صناعات موم
 موجود است که توانی را به دست مبارک خود نوشته اند و درین زمان که حال کشور
 که درین درجه ایست و صنایع از او باز نموده در جات شان عالی کنده و

شان را در جمیل غایت نوشته
(اخبارات و خلیه)

در مسئله من باب اهتمام تظیف بود آب رسالی انجمن بسیار تشریف شده
 تریب کا در والی خواهد شد
 در لایحه کشمیر که آثار قدما یان شده ما را تشریف شده هزار من فلفل
 روانه کرده است
 آنچه از تحقیقات ظاهر شده و فاری که در کارها اما تهای شان (بر سر) شده
 باش از کلچر من بوده است حکومت هند در سرمد فرج گذارده که بکند این
 اینکو زنی اتمه الهان شود
 عیالهای هند هم شرح به بت پرستی کرده اند میگویند در لاهور
 که یک یکی از کشیشان را بمیوان خنده پرستش نمایند
 را باندید که در خرد و راتشادی سید به بصرف یک مسیونر
 روید این ضلوع خنده بی بازرگان هند را تبا و میکند
 حکومت عالی امید آباد با اجازه حکومت پنجاب هزار روپه بین باب
 صفالی شهرت فرزند خواهد کرد
 پل آهن در کاسه اکل شده چنانی که در از فرمان فرمای هند
 خواش کرده که در دو روز و در جسد ایشان باشد و بروج و
 محکم معالی پشاور هشت هزار روپه منظور نموده است که با یک بازار
 سوخته بود و صاف نمایند میگویند درین حسیرتی یک خانه نمود
 در باجره خواه است که در آن خان را امیر کمال اجازه انصراف داده
 از هر که ایشان خود در صفات هند وارد شده محکم فارغ نموده اعلان داده
 که همه بنام خان را از هند بی خارج کرده اند
 عرض با یکا گرفته در تشریف آید چندان کار حاصل نموده حکم شده که از

در کم در کم با فتنه و فرج منب ۲۲ پنجاب هم مجال فرود تمام باشند و فرج
 مسکیم هم در جسد و محبت
 بجای سی لیون و کشتی که حکومت هند اراده فرزند کردن داشت
 دو از ده مسیونر فرزند فرزند کرده و در ماه اکت یا سپتامبر
 در مس محکم اخذ نمود در کشتن برش حکم صادر کرده در شش بزرگ
 برش که یک یک را یک سینه انعام میدهد
 گوی لندی که کل اسباب رفعت قنون و امراض آنها شده از شدت که
 از سد باز با مرض سکت تلف شده است
 افزوده است که ماستان در بالای سوات برخلاف دولت
 میکند و مردم را برانند و قه میسازد و جسد برش جهاد بر سر مردان
 ولی کان نیرود که این فوجت پیروان و زیاده باشند
 از طرفان جدید در مدنی و در مقصد فانه نقصان شده است
 در پروتستی از روی شدت که تکیست نقصان رساندن بکالکهای راه
 پوست سنگ بسیار بزرگی در سر راه گذارده بود و در نقصان
 آتشمان رسیده است
 من باب آنکه در ستمه العلوم علیکده را بیا و کار در موم سید احمد خان
 (و بنورستی) است و در هند چهل هزار روپه بخدمت ان اسلامی و عده
 اینها از کوشش خیره خاانه حسن الملک فراب محمدی علیخان است
 خداوند توفیق دهد بعیش را شکور کند ایند قریست که در خنده
 من غالب است که سکه دریم که کاپارت سردار قنون سردی که
 پنجیم نویم ماه انگلیسه از لندن وارد و بمیونر
 کتی مخصوص مقرر شده است که که اولی با مالی سردار که
 در راه این مملکت برار جسد آباد که تصرف انگلیس است
 تا آگست ۱۹۰۶ (۱۹۰۶) من هند است که تجاری عمل نقل شده
 سال گذشته (۱۷۵۹۷۱) من زیاد بوده است
 از معدن طلای مسوور در راه چون چهار صد سی و نه در ماه
 هشتاد و نوزده که بر اونس شش شش شغال و پنج باشد طلای
 در قسب (یکانه) معدن زغال سنگی که پیدا شده است
 قریب شش و چهار خواهد کرد
 مولوی یوسف الدین را که یکم و نیم هفت هفت و نوزده
 بری کرد و مولوی محمد رفیع خاوری خاوری (۱۳۰۵) در

من باب تصادم چهارات در اردون ملک مختاریب قانون مخصوص جاری بود
واعلان هم خواهند داد
حکومت کثیرنوازه که کجای در وادی کانگه (کنگه) خریف در این باره وسط
کشش کجانیهای چاهی است

در وادی ترقی کی از خیزنا چنان فرج را قتل رسانیده اند

رپورتیک من باب موسم بند رسیده ظاهر میدارد که شمالی منی در سبب جوار
آن و افسلح وسط بند نسبت بساها ای گذشت که مکتب نیز کور بر اثر اوضاع
خجایب که ما زود بر اصولی رایه است بکلیه در بود که ای هوا از روی متعین
الحمد از این یکصد و چهارده در دست در ملک متعین و شمالی در وسط بند
در جسد تان و در اس با آن آرد در ساز معامات هشتاد و یک در کت
باریده است

از سبب تجریزات محکمه راه آهن کی است که راه آهن به متصل بکلیه نمایند
این راه به جهت تجارت فعلی مفیده است خصوص تجارت زغال سنگ
در راه آهن زانچو تا مانو و راه می نسبت به این ماه سال گذشته (۱۳۰۸) ۸۴
تن مال زیاد و حسن نقل شده است

محکم حفظ العود و معتدیه منی اراده دارد که سده لیون و چهار صد هشتاد
پوریه من باب تطلمات طامون تشریح نماید
(اجزای فارجه)

در کندن قطعی از خوردن مخمصعی آف شده و اگر استخوان کرده اند که در پنج
ذکر جسته و سموم بوده است حال از حکومت خود پیش کرده اند که به جهت
برف نشاندن قانون قواعدی مرتب دارند

سیب ایریکاجرت در بناد آلمان وارد میشد و خیلی منسوخ برت ز این
ایرکاین سکه زانسانی با فواید شخصی خود دانسته و منسوخ شده است بدلت دادند اینک
حکمه که سیب ایریکاد در بناد آلمان وارد نشود (اینست ملت ترقی ملک و طلا
رعایا که بزنگان کچهارشاهی نقصان ذراع خود هم راضی نمی شوند اینگونه ملت
بزرگان ملت را در شصت میستان گفت این نامه از نتیجه علم و غیرت است
که فداوند بیا هم بد)

از اختلاف رعایای ایتال با وزرای حاصله با پاروزیر اعظم دست از خاک کشیده
استعداد تمام ششکای پارلمان هم از مخالفت رعایا مخالف با وزیر اعظم شده
پس از استعای وزیر اعظم خواهش کرد که تا وقتی وزارت جدید تمام نشود
بلاس نماینده مخالفت رعایا با وزیر اعظم من باین بود که در آراهی آساند

اتسیرین طامون که در چین برود که صرف در صفات اکانتن بود و هشتاد
نزد افسر شکار طامون شده در ۸۹۲ که طامون در چین عورت پیدا کرد و
در شکار کانتن زیاد بریکه هشتاد و دوم آن شکر تلف شده اما اینهمه چین هم
مشکل ایران من باب غذا العود منی سالی دو کتان نیش

در انگلستان نقشه و التیر (سربازیک) درست شده در ۱۹۲۶ استعدا سربازیک
یک (۱۱۰۹۷۶۳۵) بوده اند بحساب فی صدی بازده غنای از انگل
(۳۲۵۳۰۶) قابل جنگند

امالی امریکایی از اعیان ملی خود را روزی ستاره داده اند که از مجال دولت
انگلیس آزاد شده و آن روز چهارم جولای است حتی امریکاییها که در بلاد خارج
مستقیم میباشند این روز را میگردند و چهار صد نفر اهل امریکای کهنه در کنگره میباشند
روز مذکور میگردند

و در فوج جکسی دولت انگلیس روایز جیل طاروق شده اند اینها همه از جنگ
جنگ اسپانیا و امریکاست

از کندن خبر غرق شدن یکی از چهارات منسوخ رسید میگویند پانصد
بیت شش فف و غرق شده اند چهار که از نظام (نیویارک) کجاست منسوخ
بسیرت در چهارم شمع جاری در کنگه چهار دیگر متصادم با او شده و وسط
غیر هوا منسوخ بر مردم و شمار بود هشتاد نفر جری در چهار که بود تمام افزون
و لایزین چهار غرق شده و زیاد و این اتفاق در وسط هوا منسوخ بود
وزیر خارجه امریکاد در باره (ایرن) کشتن حکم داده که بدولت انگلیس این سلب
(۳۰۰۰۰۰) بدهند

من باب فتح خیر با جشن ۲۵ در تبریک با کمال اداسگی گرفته شد
وزیر اعظم منسوخ اس عدا تفری کت علی خود منسوخ با بیسی مناسلات اعلان داد
خبرارات روس در افعالات بقدهات ایران که بیای می شود خیلی بحث نمایند
بسیاری از اخبارات منسوخ اگر از بنیده و راه نمایهای روح بدلت توجه نمایند
اخبارات روس میگویند که باید دولت ایران ساهم کند که بدولت انگلیس میگویند
فعلی نکته چه در روز رنوخ دولت انگلیس در صلح فارس یا می شود اگر دولت
علیه ایران منسوخ استیارات با آنها بدلت خصمان دولت است ملاه حقوق
دولت بدس هم پای مال شود

اخبارات آلمان من باب اتحاد و ولتین ایران عثمانی مشروبات زیاد و از منسوخ از
اخبارات میگویند که این اتحاد منسوخ بر ولتنگ منسوخ اسلامی شایع است و زیاد و از
دولت منسوخ است که در کونفر منسوخ است و در منسوخ است و در منسوخ است

